

نگرشی بر حوزه‌های علمیه

فروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پهد نبوی سراغز حوزه‌های اسلامی:

می‌کند، و سپس از «علم» و «تعلیم». و به گفته اندیشمندان: سخن از آغاز، و انجام متعالی انسان است. خصوصاً لفظ «اقرأ» تکرار شده، بنایدیدین معنی که انسان «متعلم» دیگر آن انسان «علق» نیست.

درک اینهمه عظمت و ارزش با معیارهای مستعارف انسانی ناممکن است. شخصی که خود نه خواننده است و نه نوشته، نه مکتبی رفته و نه استادی دیده، در جامعی که جهل و بی‌سوادی بارزترین مشخصه آن بشمار می‌رود، و بیشترین مایه‌های فرهنگش را چندین قصیده طولانی در باره شتر و شاهد و شراب و پارهای خطابه‌های مدح و ذم تشکیل می‌دهد، چنین انسانی نخستین پیامش را برای چنان مردمی از «خلقت انسان» و «علم» آغاز می‌کند. روشن است که این مکتب، نظام ارزشی خود را بر این پایه‌ها استوار خواهد کرد. از سوی دیگر گذشت تاریخ نشان

ای آشنایی بیشتر با تاریخ حوزه‌های علوم اسلامی، باید راهی بر چشمه زلالش شد. نخستین بذراین «شجره مبارکه» در عهد نبوت پاشیده شد. «علم»، «تعلیم» و... مفاهیمی نبودند که بعدها بر اثر تماس فرهنگ‌های یونانی، پارسی و... بر جامعه اسلامی رده‌شده و در افکار مسلمانان رسوخ یافته باشند. مراجعه به متون سبیل اسلامی - قرآن و سنت - این حقیقت را بخوبی آشکار می‌سازد، که همگام با اولین آیات وحی الهی تعلیم و تلم در جامعه اسلامی مطرح بود.

جامعیت و شمول این مفاهیم تا بدانجاست که قواعد و لمبات دیگر، مندرج در آنان می‌باشند. تعبیر «روح کلی قرآن» این مفاهیم، تا حدودی گویای مقصود ما است. حال در آیات سوره مبارکه «علق» تأمل فرمایید.

در وصف پروردگار متعال، سخن را از ابتدای خلقت بشر آغاز

داد که برخورد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و جامعه اسلامی با دانش و آموزش، آنچنان ریشمای و عمیق بود که جای هیچگونه شک و تردیدی باقی نمی ماند که طرح «علم» و «تعلیم» در آیات اولیه فقط یک شعار مقطعی نبوده است، بلکه حقیقت انکارناپذیری بوده که در صحنه واقعیت اجرایی عینیت یافته است. این «روح کلی قرآن» چه در آیاتی که بعدها نازل شد، چه در سیره و چه در برنامه های فردی و اجتماعی، همیشه به عنوان یک اصل، جلوه گر بوده است.

روح کلی قرآن معیار حدیث:

مطابقت با روح کلی قرآن، یکی از معیارهای شناخت حدیث صحیح و ضعیف، نزد بسیاری از علمای اسلامی چه سنی و چه شیعه می باشد. اینان بر حدیثی اعتماد می کردند که دارای «شواهدی از کتاب» باشد. این، همان همسویی با روح کلی قرآن است.

گاهی حدیثی را افرادی ناشناخته، ضعیف و فاسد و گاه دروغگو نقل کرده اند ولی با مفاهیم کلی قرآن همخوانی دارد. بر اساس معیار فوق، این حدیث را قبول و مورد اعتماد قرار می دهند. عکس آن نیز صادق است، احادیثی را که با قرآن سازگار نبوده است مردود شمرده اند اگر چه راویان و ناقلان مورد اطمینان و وثوق داشته باشند.

نمونه مطلب بالا را در همین موضوع علم می بینیم: حدیثی از پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده: طلب العلم فریضة علی کل مسلم. (فراگیری دانش بر هر مسلمان واجب است). این روایت در مصادر حدیث سنی (۱) و شیعه (۲) آمده است. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی - یکی از با ارزشترین کتب حدیث شیعه - این حدیث را از سه طریق گوناگون (۳) نقل کرده است. نقادان حدیث هر سه طریق را (بر اساس جهالت راوی) ضعیف می دانند (۴). این مطلب برای برخی سوال آفرین است، چرا در چنین کتاب با ارزش و اصیلی، روایات ضعیفی به چشم می خورد. یکی از نکاتی که اینگونه ابهامها را بر طرف می سازد، مطلب فوق الذکر است. خود مرحوم کلینی در کتاب کافی فصلی دارد به نام: باب الاخذ بالسنة و شواهد الکتاب (۵). بر این اساس، اگر چه ناقلان حدیث مذکور افراد ناشناخته و مجهول باشند، ولی

روح کلی قرآن، روش عملی پیامبر و ائمه علیهم السلام، تارخ جامعه های اسلامی، همه و همه مضمون حدیث مذکور را تکرار می کنند.

جاهلیت و فرهنگ

بارزترین مشخصه عرب قبل از اسلام، جهل و بی فرهنگی است. اگر چه در شمال و جنوب شبه جزیره عربستان، فرهنگ تمدنهایی - و گاه در درجه بسیار درخشان - وجود داشتند، لکن در قسمت مرکزی و نیز مکه و مدینه آثاری از یک فرهنگ و تمدن اصیل دیده نمی شد. در متون تاریخی به این مطلب برخیز می کنیم که قبل از اسلام، در قبیله قریش، فقط سه نفر می توانستند بنویسند. (۶). برخی از مورخین معاصر کوچک فراوانی به کار برده اند عدد نویسندگان را خیلی بیشتر از عدد مذکور نشان بدهند. (۷) هدف اساسی، تحول اساسی و شگفت است که اسلام در زمینه حیات فرهنگی جامعه به وجود آورده است. حال چه عدد نویسندگان ۱۷ نفر باشد و یا بیشتر یا کمتر وجود این افراد هیچگونه نقش اساسی در ساخت فرهنگ و تمدن جامعه عرب قبل از اسلام نداشته است. بهترین شاهد این معیار نبودن حتی یک دستنویس از عرب آن روز است. امروزه هیچ اثر باقیمانده از آن زمان چه بر کاغذ و یا بر پوست، سنگ و چرم در دست نداریم. جالب توجه آنکه، آنچه ما امروز از شعرای قبل از اسلام - فرهنگ ادبی جاهلیت - در دست داریم، همگی به نقل راویان و ادیبان اسلامی - همچون ابو عبید و اصمعی و ... - است اگر راست باشد که خیلی از این افراد بعضی اشعار و قصاید خود می سروده و به شعرای پیشین نسبت می داده اند، (۸) آنرا تنها فرهنگ بازمانده دوران جاهلیت نیز مورد شک و تردید می گیرد. حال اگر همین جامعه را بعد از اسلام مورد بررسی دهیم با تحولی بس شگرف و اساسی روبرو می شویم. ما هم آثار فرهنگی نسبتاً فراوان از صدر اسلام - چه به عنوان قرآن نامهای پیامبر گرامی - صلی الله علیه و آله - در دست داریم این تغییر ناگهانی در جامعه عرب - قبل و بعد از اسلام - یک عامل تعجب و تحیر مورخین و جامعه شناسان بوده است. ما با نمونه، به نقل پارهای از کلمات گوستاولوبون در این زمینه به مناسب سخن از روح قرآن شاید این تذکر - شناخت معیار حدیثی در اینجا بی مناسبت نباشد، اگر چه در بحثهای مربوط به حدیث توضیح بیشتری خواهد آمد. انشاء الله.

«جن» نام برده است که همچون انسان دارای تکلیفانند. باید اطاعت از پیامبر کنند، گروهی از آنان صالح و گروهی غیر صالحند... و براین اساس از آنان خواسته شده که احکام الهی را بیاموزند: واذ صرفنا الیک نغراً من الجن یستمعون القرآن... (۱۲) در این آیات، پروردگار مستعال از آمدن گروهی از جن نزد رسول الله - صلی الله علیه و آله - و آموختن قرآن، سپس بازگشت آنان به قبیله خود و شرح اسلام و بیان حقیقت آن، حکایت می‌کند.

در سیره پیامبر، هنگامی که نخستین گروه از اهل مدینه پنهانی در مکه، اسلام می‌آوردند، پیامبر گرامی مصعب بن عمیر را همراه آنان به مدینه می‌فرستد تا احکام اسلام را به مسلمانان بیاموزد. (۱۳) همین شخص عامل نشر اسلام در مدینه و آماده ساختن زمینه هجرت پیامبر به مدینه بود. و همچنین بعد از هجرت، افرادی را به عنوان تطهیم حقایق اسلامی به اطراف ارسال می‌فرمود، که برای نمونه می‌توان از فرستادن امیرالمؤمنین علیه السلام به یمن نام برد.

از سوی دیگر، خود مدینه به عنوان یک مرکز نیرومند و پرتحرک برای طرح مسائل اسلامی درآمد که آموزگار و ناظر بر آن شخص رسول الله - صلی الله علیه و آله - بود. این حوزه با خصایص و ویژگیهای خود، زمینساز کلیه حوزه‌های علمی بود که بعدها در جهان اسلام شکل گرفت.

ویژگی‌های حوزه مدینه:

۱. نخستین و مهمترین خصوصیت آن را در وجود معلم و سرپرستی همچون رسول الله صلی الله علیه و آله - باید دانست. آموزش عالیترین مفاهیم الهی و انسانی در مکتبی که ارتباط مستقیم با وحی دارد، با روح طمانینه و آرامش در افراد ایجاد، مطالب به صورت قطعی و بدون احتمال هرگونه اشتباه و انحراف به آنان القاء می‌شود.

۲. سادگی و وضوح مسائل طرح شده. این مطلب از خصوصیات کلیه مکاتب انبیای الهی است که دقیق‌ترین و عالی‌ترین مسائل را با ساده‌ترین و روشن‌ترین تعبیر بیان می‌کنند. در این مکتبها نه دیدن دوره‌های تخصصی لازم است، و نه داشتن امتیازات خاصی. اینجا دیگر آکادمی افلاطون نیست که بر سر در آن بنویسند: هر کس هندسه نمی‌داند وارد نشود.

۳. همگانی بودن آموزش. براساس تفکر اصیل اسلامی مبنی بر تلازم «علم» و «تکلیف» همه مسلمانان مکلف به آموختن

پردازیم، اگرچه سخن در این باره فراوان است، و بررسی آن را به بحث جداگانه‌ای دارد؛ عموماً این امر محل اتفاق است که راب جاهلیت از خود هیچ تاریخی باقی نگذاشتند... مورخین سی معاصر هم به همین عقیده باقی می‌باشند، چنانکه مسهوران تاریخ خود راجع به السنه سامی چنین می‌نویسد: «تا زمان این دهنه حیرت انگیز (اسلام) که دوامت نژاد عرب را به لباس هانگیری و خلاق معانی به ما نشان داد، هیچ‌یک از قسمتهای بستان نه جزو تاریخ تمدنی دنیا شمرده می‌شد، و نه از حیث علم مذهب نشانی از آن بود... اگر فرضاً ما از تاریخ قدیم بستان هیچ واقف هم نبودیم باز می‌توانستیم نظریه فوق را رد نایم... ترقی افراد، ملل، مذاهب و نظامات انسانی همیشه تدریج حاصل می‌شود، و در مدارج ترقی قبل از وصول به مدارج وسطه، رسیدن به درجه عالیه محال است... تمدن اعراب قبل از اسلام هم همین حکم را داراست. البته اثبات این امر که جزئیات آن تمدن چه بوده مشکل است، لیکن اسنادی نزد ما موجود است که اصل وجود را بخوبی ثابت می‌نماید (۹)».

آن تمدن موهوم که گوستاولوبون آن را ریشه تمدن اسلامی می‌داند، تا زمان تألیف کتاب او (۱۸۸۴ میلادی) و تا زمان ما، هنوز واقعیت عینی به خود نگرفته است. شاید با گذشت سالها - و حتی قرن‌ها - از لا بلای ریگهای سوزان و تفتیده حجاز، آثاری از آن شاهده شود.

حقیقت همان است که خود قرآن آن را بیان داشته است: والذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرسه وحی به آموزگاری رسول الله (ص) است که مردان ی (۱۱) را ناگهان از آن حسیض پستی به اوج کمال برساند. لطف کلام در آن است که رسول الله را با وصف «معلم» بودن یاد می‌کنند، که به مردمان «کتاب» و «حکمت» را می‌آموزد. راز آن همه عظمت را باید در حقیقت وحی جستجو کرد. تحلیلهای مادی از مکتبهای آسمانی چه برقی و چه غربی نمی‌تواند راز گشای این معما باشد.

مسئولیت و علم

در اسلام هر جا سخن از مسئولیت و تکلیف در میان است، علم نیز دوشادوش آن مطرح است و همین، زیربنای توجه اسلام به راکز علمی و آموزشی است. قرآن کریم از مسووداتی به نام

بوده‌اند، و بدین جهت مطالب عالی اسلام در همه سطوح جامعه - زن، مرد، بی‌سواد، باسواد، پیر، جوان... مطرح می‌شده است و همگان مکلف به یادگیری بوده‌اند.

به غیر از خواندن قرآن، که در اوقات مختلف انجام می‌گرفت، مسلمانان مکلف بودند یک سوره از قرآن را - که غالباً حامل مفاهیم متعدد اسلامی است - در هر نماز بخوانند. و این خود راهی برای نشر معارف قرآنی در میان جامعه بود.

۴. دانش مورد آموزش در این حوزه از اصلی‌ترین و ضروری‌ترین دانشها در زندگی انسانی است. بطوری که اسلام از زاویه جهان‌بینی بیشتر به تفسیر جهان می‌پردازد تا تبیین آن، و از جهت علمی، رابطه‌ها بیشتر مورد نظر است: رابطه انسان با خدا، با جامعه، با خود، با حیوانات....

بررسی قرآن نشان می‌دهد بیشترین مسائل مطرح شده در آن عبارتند از: معارف الهی - از توحید تا معاد - مواعظ و اخلاق، قانون (فقه)، تاریخ، همین علوم زیربنای کلیه مسائل اسلامی است که در سوزة مدینه در زمان حیات پیامبر، و بعدها در کلیه حوزه‌های علمیه مطرح می‌شود، و طرح همین مسائل اساس تحولات شگرف اسلام در جامعه‌های انسانی بوده است.

حدیثی در مصادر اهل سنت (۱۴) و شیعه (۱۵) از پیامبر نقل شده که علم سه چیز است: آیه محکمه، فریضة ندایة، سنن هاتمة. در تفسیر این حدیث بین دانشمندان اسلامی اختلاف وجود دارد. ولی برخی آن را به معنای: عقاید، فقه و اخلاق تفسیر کرده‌اند، که اگر شواهد ادبی و تاریخی آن را تأیید کند، معنای بسیار جالب و زیبایی است.

۵. متون آموزشی، در درجه اول قرآن بود و در درجه بعد سیره و سنت پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله که میان مسلمانان دهان به دهان نقل می‌شد خود شاهد و ناظر آن بوده‌اند.

۶. نسبت به مسلمانان خارج مدینه، خداوند مستعال از آنان می‌طلبد که از هر گروه، دستمای به مدینه هجرت، و پس از آشنایی با بینشهای اسلامی، مردم خویش را هدایت کنند. (۱۶)

اگرچه این آیه در نظر ظاهر صریح است در هجرت افراد به حوزه علمی مدینه برای آموزش معارف اسلامی، ولی از مراجعه تاریخ و تفسیر چندان نمی‌توان دریافت که پس از این آیه،

مسلمانان چگونه به مدینه آمده و مسائل اسلامی را می‌آموخته‌اند، ولی در زمان ما مفهوم این آیه بخوبی اجراء می‌شود، و شاهدیم که چگونه از شهرها و کشورهای مختلف اسلامی، صدها هزاران نفر از عاشقان اسلام به حوزه‌های علمی مهاجرت، و پس از اندوختن توشه بار علمی، عازم دیار خود شده، و همچون کوه استوار در مقابل انحرافها و کجیها ایستاده، به نشر و طرح مسائل اسلامی می‌پردازند.

و بدینسان نخستین حوزه‌های علوم اسلامی شکل گرفت، دست توانای رسول‌الله (ص) آغاز و به همت و پایمردی فقهاء علمای بزرگ پاسداری و نگهداری شد. در بحث آینده - حوزه علمیه در دوران خلافت - سخنی پیرامون برخی آثار دوره نبوت نیز خواهد آمد.

۱. مثلاً: الجامع الصغير: ۵/۲، سیوطی در این کتاب، حدیث را صحیح دانسته
۲. برای نمونه: جامع احادیث الشیعه: ۸۸/۱-۹۱
۳. الکافی، ۳۰/۱، احادیث شماره: ۵، ۲، ۱
۴. مرآة العقول، ۹۸/۱-۱۰۰
۵. الکافی، ۹۸/۱-۶۹-۷۱
۶. فتوح البلدان، ۴۵۷ (أمر الخط)
۷. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ۱۳۰/۸. اصولاً در فصل ۱۲ عنوان: «أمة الجاهلین» بحث مفصلی راجع به این موضوع مسطور کرده است که بسیار جالب است.
۸. برای نمونه به کتاب ضحی‌الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۸ مراجعه شود.
۹. تمدن اسلام و عرب، ص ۸۸/۸۷
۱۰. سوره جمعه، آیه ۲
۱۱. درباره تفسیر «می» میان صاحب‌نظران اختلاف است، برای تحقیق بیشتر به فصل یکم و بیستم از کتاب المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، مراجعه شود.
۱۲. سوره احقاف آیات ۲۹ تا ۳۲
۱۳. و به تعبیر ابن هشام در السیرة النبویه: ۷۶/۲، و يعلمهم الاسلام بفقههم فی‌الدین.
۱۴. الجامع الصغير ۶۹/۲
۱۵. الکافی، ۳۲/۱
۱۶. سوره توبه، آیه ۱۲۱، البته در تفسیر آیه احتمالات دیگر نیز گفتند، و معنای فوق‌الذکر از تفسیر شریف المیزان اتخاذ شده است.